



Foundations of the Scientific Authority of the Holy Quran

Mohammad Hadi Mansouri¹



Received: 2024/11/09 • Revised: 2025/02/07 • Accepted: 2025/04/14 • Published online: 2025/05/28

Abstract

Undoubtedly, scientific authority is one of the prominent aspects of scholarly and practical adherence to the Holy Quran, and Quranic scholars have explored it from various perspectives. It is essential to examine what prerequisites and specific foundations this authority entails and what impact it has on the Quran's scientific authority. Among the key foundations of the Quran's scientific authority are: the comprehensiveness of the Quran, its timelessness, its responsiveness to the fundamental needs of contemporary individuals and society, and the inseparability of the Quran from the Ahl al-Bayt, the true interpreters of the Divine Book. This study aims, through a descriptive-analytical method and library research, to examine and analyze these mentioned foundations. The objectives of this research include establishing the scholarly infrastructure necessary to realize the Quran's scientific authority, institutionalizing the Quran's authority in the process of knowledge production and the content of sciences, and grounding both micro and macro socio-epistemic systems in the teachings of the Quran. Promoting a culture and creating conditions

1. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Studies, University of Islamic Studies, Qom, Iran. Email: mansouri@maaref.ac.ir

* Mansouri, M. (2025). Foundations of the Scientific Authority of the Holy Quran. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(22), pp. 7-40.

<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.70232.1337>

for the informed reliance of socio-cultural actors on the Quran, as well as providing structured access to benefit from the Divine Book in scientific disciplines, are among the major outcomes of this research.

Keywords

Foundations of scientific authority, comprehensiveness of the Quran, timelessness of the Quran, systematization of Quranic teachings.



أسس مرجعية القرآن الكريم العلمية

محمد هادي منصورى^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/١١/٠٩ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٢/٠٧ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٤/١٤ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨



الملخص

لا شك أن المرجعية العلمية تشكل جانباً مهماً من الالتزام العلمي والعمل بالقرآن الكريم، وقد تناولها الباحثون القرآنيون بمنهج مختلفة. ومن الضروري أن ننظر إلى ما هي الأسس والمرتكزات المحددة التي تقوم عليها هذه المرجعية، وما هو أثرها في الحديث عن المرجعية العلمية للقرآن. إن شمولية القرآن الكريم، وخلود القرآن، وتليته للاحتياجات الأساسية للإنسان والمجتمع المعاصر، وعدم الفصل بين القرآن الكريم وأهل البيت (عليه السلام)، باعتبارهم المفسرين الحقيقيين للكتاب الإلهي، من الأسس المهمة لمرجعية القرآن الكريم العلمية. يهدف البحث الحالي إلى دراسة وتحليل المبادئ المذكورة باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وبالاعتماد على المنهج المكتبي. يمكن اعتبار تقديم البنية التحتية العلمية لتحقيق المرجعية العلمية للقرآن الكريم، ومرجعية القرآن الكريم العلمية في عملية إنتاج العلم ومحتوى العلوم، وتأسيس النظم الاجتماعية والمعرفية الجزئية والكلية على تعاليم القرآن الكريم من أهداف هذا البحث. ومن أهم إنجازات هذا البحث خلق ثقافة وتهيئة الظروف للناشطين الثقافيين والاجتماعيين للاعتماد على القرآن الكريم بشكل علمي وتوفير الوصول المنظم للاستفادة من الكتاب الإلهي في العلوم.

الكلمات الرئيسية

أسس المرجعية العلمية، شمولية القرآن، خلود القرآن، تنظيم المعارف القرآنية.

١. أستاذ مساعد، قسم دراسات القرآن والحديث، جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران. mansouri@maaref.ac

* منصورى، محمد هادي. (٢٠٢٥م). أسس مرجعية القرآن الكريم العلمية، الفصلية العلمية - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٦ (٢٢)، صص ٤٠-٧. <https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.70232.1337>

مبانی مرجعیت علمی قرآن کریم

محمدهادی منصوری^۱



تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

چکیده

مرجعیت علمی بدون شک از ابعاد شاخص تمسک علمی و عملی به قرآن کریم است و قرآن پژوهان با رویکردهای گوناگون بدان پرداخته‌اند. باید دید این مرجعیت، چه پیش‌ساخت‌ها و مبانی ویژه‌ای را در بر می‌گیرد و چه اثری در بحث مرجعیت علمی قرآن دارد. جامعیت قرآن کریم، جاودانگی قرآن، پاسخ‌گو بودن به نیازهای کلیدی انسان و جامعه معاصر، عدم تفکیک قرآن کریم و اهل بیت (علیهم‌السلام)، مفسران حقیقی از کتاب الهی، برخی مبانی مهم مرجعیت علمی قرآن است. پژوهش پیش‌رو بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی و تحلیل مبانی مذکور بپردازد. از اهداف این پژوهش می‌توان به فراهم کردن زیرساخت‌های علمی برای تحقق مرجعیت علمی قرآن، نهادینه‌سازی مرجعیت قرآن در فرآیند تولید علم و محتوای علوم و ابتدای نظام‌های خرد و کلان اجتماعی و معرفتی بر معارف قرآن اشاره کرد. فرهنگ‌سازی و زمینه‌سازی برای اتکای عالمانه کنش‌گران اجتماعی-فرهنگی به قرآن و دسترسی سازمان یافته جهت بهره‌مندی از کتاب الهی در علوم، از اهم دستاوردهای این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها

مبانی مرجعیت علمی، جامعیت قرآن، جاودانگی قرآن، نظام‌مندی معارف قرآن.

۱. استادیار، گروه معارف قرآن و حدیث، دانشگاه معارف اسلامی قم، قم، ایران. mansouri@maaref.ac.ir

* منصوری، محمدهادی. (۱۴۰۳). مبانی مرجعیت علمی قرآن کریم. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۲۲)، صص ۴۰-۷

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.70232.1337>

مقدمه

از مباحث مهم قرآنی که امروزه کانون توجه اندیشمندان قرآنی است، مرجعیت علمی قرآن کریم است. در اینکه مقصود از مرجعیت علمی قرآن چیست، آرای گوناگونی وجود دارد. در مقاله پیش‌رو، مراد از آن، «تأثیرگذاری معنادار قرآن بر علوم ساخت‌یافته» است. این تأثیرگذاری در عرصه‌های گوناگون دانشی (اعم از علوم اسلامی، علوم انسانی و علوم طبیعی) و به گونه‌های مختلف (اثرگذاری استنباطی، استلهامی، استکمالی، حکمیتی و نگرشی و بینشی) جاری است. البته لزوماً این تأثیرگذاری تأثیر مستقیم در تمام ابعاد علوم را معنا نمی‌دهد (کارگروه مرجعیت علمی قرآن، ۱۳۹۹، ص ۴). از محورهای مهم این مرجعیت، پرداختن به مبانی آن از دیدگاه قرآن بوده که مرجعیت علمی آن را به اثبات می‌رساند؛ از این‌رو در این پژوهش برآنیم تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی مبانی مرجعیت علمی قرآن با هدف اثبات این مرجعیت بپردازیم.

۱. پیشینه

الف) کتاب‌هایی که درباره مرجعیت علمی قرآن و مبانی آن نگاشته‌اند:

۱. مرجعیت علمی قرآن از منظر امیرالمؤمنین (۱۴۰۰) اثر سیدعلی میرکتولی؛
۲. مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی (۱۴۰۱) اثر اسرافیل خواجه صالحانی؛
۳. نگاهی نو به مرجعیت علمی قرآن بر پایه کلام مقام معظم رهبری (۱۴۰۱) اثر غلامحسین اعرابی.

ب) مقالاتی که درباره مرجعیت علمی قرآن و مبانی آن نگاشته‌اند:

۱. مرجعیت علمی قرآن از نگاه شهید مطهری (۱۳۹۸) اثر محمد مهدی فیروز مهر؛
۲. مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی (۱۳۹۸) محمد فاکر میبدی؛
۳. مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی (۱۳۹۹) مرتضی غریبان.

اما هیچ کدام از آثار مذکور به شکل مستقل به بررسی مبانی مرجعیت علمی قرآن نپرداخته اند.

۲. مفهوم شناسی

«مبانی» جمع بنا و از ماده «ب.ن.ی» به معنای شالوده، بنیاد و اساس یک شیء گرفته شده (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۲) که معادل foundation-tent-base-principle است (احسانی، ۱۳۹۳، صص ۵۷-۶۰). برخی منابع، مبانی را به «زیربناها و زیرساخت های یک بحث علمی» تعریف نموده اند (فاکر مبینی، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

«مرجعیت» از ماده «رَجَعَ»، مصدری جعلی و به معنای رجوع است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۱۴۱). در آیه ۶۸ سوره صافات: «ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ» «مَرْجِع» به معنای رجوع یا محل رجوع است؛ البته «مَرْجِع» تنها به معنی رجوع به امر یا مکان سابق نیست، بلکه تمام رجوعات اعم از رجوع به مکان قبلی یا هر مکانی (منافقون، ۸)، رجوع به خداوند (یونس، ۲۳)، رجوع به خلق (اعراف، ۱۵۰)، رجوع به باور حق و حقیقت (اعراف، ۱۶۸) را شامل می شود (فاکر مبینی و رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۳).

با توجه به اینکه برخی مبانی مرجعیت علمی قرآن همان مبانی تفسیر قرآن است، لازمه آن فهم قرآن بوده و چنین فهمی بر برخی مبانی تفسیر مبتنی است. شاخص ترین مبانی تفسیر عبارتند از:

۱. وحيانی بودن الفاظ و معانی قرآن؛ ۲. جاودانگی دعوت قرآن؛ ۳. مصونیت از تحریف لفظی؛ ۴. جامعیت قرآن؛ ۵. همگانی بودن دعوت قرآن؛ ۶. حجیت ظواهر قرآن؛ ۷. امکان فهم و تفسیر قرآن؛ ۸. برخورداری از لایه های متعدد معنایی؛ ۹. تفسیرپذیری آیات متشابه؛ ۱۰. عدم تناقض و اختلاف بیرونی و درونی قرآن؛ ۱۱. توقیفی بودن نظم سوره ها و آیات (طیب حسینی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۳). برخی، مبانی مذکور را در قالب مبانی مختص و مشترک، مبانی روشی، مبانی کلامی، مبانی صدوری، مبانی گرایشی و مبانی دلالتی تقسیم بندی نموده اند (مؤدب، ۱۳۹۶، صص ۳۹-۴۱)، که غالب مبانی مرجعیت علمی قرآن با مبانی مشترک (مانند وحيانی بودن الفاظ قرآن)

و مبانی دلالتی (مانند جاودانگی و جهان‌شمولی قرآن و ...) در تفسیر، هم‌پوشانی دارد.

۳. تاریخچه مرجعیت علمی قرآن

عنوان مرجعیت علمی قرآن از بیست سال پیش در لبنان با جلسات آقایان محمدتقی سبحانی، دکتر میرزایی و متفکران لبنانی آغاز شد و دکتر میرزایی کتابی در این زمینه نوشت؛ در آن کتاب عنوان مرجعیت علمی به کار نرفته است، اما مباحث کتاب، پیرامون مرجعیت علمی قرآن است؛ از سال ۱۳۹۶ پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن با پیگیری حجت‌الاسلام و المسلمین محمدتقی سبحانی، کارگروه «مرجعیت علمی قرآن» شکل گرفت و از آن زمان، این اصطلاح رسانه‌ای شد.

میان مرجعیت علمی قرآن با بازگشت به قرآن تفاوت‌هایی دیده می‌شود، ولی برخی پژوهشگران معاصر، بازگشت به قرآن را با مرجعیت علمی قرآن یک‌سان دانسته‌اند (فاکر میدی و رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۱).

۴. تعاریف مرجعیت علمی قرآن

تعریف اول: تأثیر‌گذاری معنادار قرآن بر علوم ساخت یافته. این تأثیر‌گذاری در عرصه‌های گوناگون دانشی (اعم از علوم اسلامی، علوم انسانی و علوم طبیعی) و به گونه‌های مختلف (اثر‌گذاری استنباطی، استلهامی، استکمالی، حکمیتی و نگرشی و بینشی) جاری است. البته باید گفت که لزوماً این تأثیر‌گذاری، تأثیر مستقیم در تمام ابعاد علوم را معنا نمی‌دهد (کارگروه مرجعیت علمی قرآن، ۱۳۹۹، ص ۴).

تعریف دوم: منبع و مرجع معرفتی، معنای مرجعیت است؛ به صورتی که معارف علوم تجربی یا انسانی در عقل و حس (تجربه) انحصار نداشته باشد، بلکه از راه وحی و ماورایی تأمین گردد؛ بنابراین، به همان صورت که یک نظریه علمی طبق عقل و تجربه شکل گرفته و اثبات می‌گردد، با مرجعیت قرآن کریم طبق آیات الهی شکل می‌گیرد و طبق ادله قرآنی تدوین می‌شود؛ لذا نظریه‌پردازی قرآن کریم پیرامون مسائل علوم تجربی و علوم انسانی، شکل می‌گیرد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، صص ۵۷-۷۶).

تعریف سوم: جهت‌دهی قرآن، معنای مرجعیت است که در این صورت اهداف و مبانی دانش‌ها، متأثر از قرآن جهت‌دهی می‌شود (رضایی اصفهانی و جزائری، ۱۳۹۷، ص ۱۵). چنین معنایی در قالب تحول در علوم انسانی مورد اهتمام رهبر معظم انقلاب و علامه مصباح یزدی قرار گرفته است (قاسمی، ۱۴۰۰، صص ۹۸-۹۹).

تعریف چهارم: سنجش گزاره‌های علم با قرآن، مرجعیت نام دارد. درحقیقت، باید همه گزاره‌های موجود در یکی از عرصه‌های علوم انسانی در قرآن ذکر شده باشد و در صورت عدم ذکر در قرآن، با متد، مبانی و با آیات الهی و محتوا معارض نباشد (عظیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۴).

تعریف پنجم: معنای مرجعیت این است که از اطلاعات قرآن و داده‌های آن می‌توان به جهت احداث، تکمیل و تحول در علوم انسانی بهره گرفت (طوسی و عالمی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۲۰).

تعریف ششم: کشف مسئله‌های یک موضوع از قرآن که در قالب تفسیر موضوعی قرآن، مرجع و منبع پژوهش قرار می‌گیرد، مرجعیت نام دارد. درحقیقت، دانشمندان قادر خواهند بود که از این منبع معرفتی در حیطه‌های مبانی و اهداف علوم انسانی استفاده نمایند (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۱۵).

تعریف هفتم: مرجعیت درحقیقت، قبول حاکمیت قرآن در عرصه دیدگاه‌های اعتقادی و کنترل کردن کنش‌های انسانی پیرامون حکمت عملی و قراردادن سعی و کوشش‌های علمی انسان در جهت نیل به کمال و سعادت حقیقی است؛ به‌صورتی که در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون علم بشری، روح توحید در جریان باشد (طوسی و عالمی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴).

تعریف هشتم: پاسخ‌گویی قرآن به نیازهای زمانه، معنای مرجعیت است. درحقیقت، مسائل جدید و پرسش در هریک از عرصه‌های حیات انسان به قرآن عرضه می‌شود و با مراعات قواعد خاص و عام تفسیر، پاسخ قرآن اصطیاد می‌گردد (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۲).

از این هشت تعریف، تعریف برگزیده تعریف نخست است؛ چون برخی تعاریف،

تنها مرجعیت را از لحاظ لغوی، لوازم و آثار و اشاره به برخی گونه‌های مرجعیت مورد کاوش قرار داده و از جامعیت کافی برخوردار نیست؛ بنابراین، تعریف کارگروه مرجعیت علمی قرآن (تعریف نخست)، با توجه به جامعیت لازم، مناسب‌ترین تعریف است.

۵. مبانی مرجعیت علمی قرآن کریم

برای مرجعیت علمی قرآن، مبانی متعددی ذکر کرده‌اند که در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم.

۱-۵. جامعیت قرآن کریم و استفاده علوم از آن

مفسران در اینکه آیا آیات ۳۸، ۵۹ و ۱۱۴ سوره انعام، قلمرو بیانات قرآن را دربر می‌گیرد یا خیر، اختلاف نظر دارند و این اختلاف در آیات ۳۸ و ۵۹ از اینجاست که مراد از کتاب در این دو آیه، قرآن یا لوح محفوظ و علم خداست که در صورت قرآن بودن با دو آیه ۸۹ نحل و ۱۱۱ یوسف از جهت مضمون همخوانی دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۸۱ و ۱۲۹؛ جوادی آملی، ۱۳۷۸، صص ۲۲۴-۲۲۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۲۱-۳۱) و اختلاف دیدگاه پیرامون آیه ۱۱۴ انعام از این مطلب ناشی می‌شود که «مُقَصَّلًا» را در معنای غیرمختلط بودن معارف و احکام در نظر بگیریم (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۳۲۸) یا مانند علامه طبرسی بیان‌کننده تمام احتیاجات بشر قلمداد کنیم (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۵۳) که در چنین صورتی این آیه نیز با مضمون آیات ۸۹ سوره نحل و ۱۱۱ سوره یوسف همخوانی دارد، ولی پیرامون آیه ۸۹ نحل و آیه ۱۱۱ یوسف اجماع وجود دارد که پیرامون قلمرو بیان‌های قرآن است (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۷).

هنگامی که استفاده علوم از قرآن ضرورت پیدا می‌کند، مسئله بعدی، حدود بهره‌مندی از قرآن است. با اهتمام به این مطلب که تعیین محدوده مصدر و مبنا بودن قرآن، به تبیین کلماتی مانند «کمال» و «جامعیت» وابسته است، شایسته است که ارتباط میان آنها روشن گردد. غالباً در ذیل آیه ۹ آل عمران و آیات دیگر، معنی جمع و گردآوری ترجیح داده شده است.

در رابطه با جامعیت قرآن، برخی متفکران مانند غزالی (قرن ششم) و زرکشی (قرن هشتم) و سیوطی (۹۱۱ق) بر این باور بودند که اصول تمام علوم در قرآن وجود دارد (غزالی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۴) و تمام علوم از قرآن قابل اصطیاد است (زرکشی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۲۰). مسئله و باب شاخصی غیر از اینکه در قرآن بر آن دلالت نماید، وجود ندارد (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۶۶). افزون بر آن، امام صادق علیه السلام می فرماید: در قرآن، اخبار پیشینان، حال، آیندگان و اخبار آسمان و زمین هست و در صورتی که کسی شما را بر آن آگاه نماید، شگفت زده خواهید شد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۱، ص ۲۶۷)؛ بنابراین نمی توان گفت جزئیات و گزاره های علوم طبیعی و انسانی در ظواهر قرآن وجود دارد و برای اندیشمندان قابل فهم است؛ زیرا قرآن به معنای رایج بشری کتابی علمی نیست که تمام گزاره های علمی را در خود جمع کرده باشد، بلکه به بیان کلیات پرداخته است، حتی درباره رابطه بندگان با خداوند متعال و عبادات صرفاً کلیات را ذکر نموده و جزئیات به بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام سپرده شده است (فیروزمهر، ۱۳۹۸، ص ۲۵). بعضی نیز با رویکردی سکولار معتقدند قرآن به ارتباط انسان با خداوند متعال و آخرت پرداخته و حیات دنیوی از دایره هدف نزول قرآن خارج است (بازرگان، بی تا، ص ۶۰). این دو برداشت نامناسب سبب نوعی مهجوریت قرآن می شود، اما درحقیقت باید گفت: در قرآن در باب فلسفه تاریخ، جامعه شناسی، فقه، اخلاق، فلسفه و غیر از آن، فقط به زبان علمی و در قالب تقسیم بندی های رایج و اصطلاحات مرسوم بیان نشده است، اما مسائل شاخصی از علوم انسانی از قرآن قابل استخراج و استنباط است که این کار باید با استنباط صحیح صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۲۸ و ج ۱۶، ص ۳۳۵)؛ از این رو با استنباط دقیق می توانیم علوم نهفته در قرآن را استخراج و مرجعیت علمی قرآن را حفظ و عملیاتی کنیم. در روایات نیز قرآن منحصر به مخاطبان و زمان های خاصی نیست و در هر زمانی بدیع و تا قیامت برای هر مخاطبی جوشش دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۷۸) و در قرآن علم گذشتگان و آیندگان وجود دارد و برای گوینده، سخن خاصی را باقی نگذاشته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۶۴).

۵-۱-۱. تفاوت جامعیت و مرجعیت علمی قرآن کریم

جامعیت قرآن یعنی شمولیت قرآن بر همه احتیاجات علمی و روشی جامعه و فرد به جهت کمال در حیات مادی و معنوی. با این معنا درحقیقت می‌توان گفت: جامعیت به تمامیت ذاتی و کمال قرآن بدون درنظرگرفتن امکان رجوع به آن می‌پردازد، ولی مرجعیت علمی افزون بر آنکه معنای جامعیت را دربرمی‌گیرد، بر امکان رجوع به آن نیز تأکید می‌نماید. درحقیقت، اگر به توانمندی و قدرت علمی قرآن در مواجهه با متقاضیان یا مخاطبان اهتمام شود، می‌توان آن را به معنای انتظارات مراجعه‌کنندگان و مخاطبان و پاسخ‌گویی به نیازها دانست؛ در صورتی که از جهت عرضه به قرآن نگریسته شود، باید آن را به منبعی تعریف کرد که شایستگی‌ها، جامعیت و بدیعیات رقابت‌پذیر و لازم و اعلم را دارد (فاکرمیددی و رفیعی، ۱۳۹۸، ص ۱۳).

۵-۱-۲. جهان‌شمولی و جاودانگی معارف قرآن کریم

قرآن، کتابی جاودانه و جهان‌شمول است، چون رسالت رسول اکرم صلی الله علیه و آله جاودانه و جهان‌شمول است. خداوند متعال، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن را برای تمام ملت‌ها، تا قیامت ارسال کرده است.

در آیات متعددی به جهان‌شمولی رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء، ۱۰۷)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا، ۲۸)؛ «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب، ۴۰) افزون بر این آیات، در آیاتی، به تمام آدمیان خطاب شده است مانند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳).

حتی برخی مستشرقان به جهان‌شمولی اسلام تصریح کرده‌اند. بورک از مستشرقان می‌نویسد: «قانون محمد صلی الله علیه و آله جدّاً یک قانون فراگیر بوده که نظام حقوقی منظمی را همراه خود دارد. قانون محمد صلی الله علیه و آله عالی‌ترین قانون نورانی و عظیم‌ترین نظام علمی است که جهان مانند آن را مشاهده نکرده است» (سلیم، ۲۰۰۲، ص ۱۱۷).

۵-۳. پاسخ‌گو بودن قرآن به نیازهای عصری

یکی از مبانی مهم مرجعیت علمی قرآن، پاسخ‌گو بودن قرآن به نیازهای هر عصری است. از رازهای تازگی و پویایی قرآن در هر روزگاری، نگاه سیستماتیک و جامع قرآن به انسان و نیازهای اوست. عنایت همزمان قرآن به تمام نیازهای هدایتی انسان از دو ساحت فردی و اجتماعی و مادی و معنوی، دینی معتدل و متوازن از اسلام ساخته است. درحقیقت، عنایت قرآن به عقل و دل و استفاده از برهان و استدلال در کنار عاطفه و احساس، از ویژگی‌های کلیدی قرآن است.

۵-۴. عدم تفکیک قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان مفسران حقیقی قرآن

یکی از ادله جداناپذیری قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام حدیث ثقلین است. رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي أَحَدُكُمْ أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَ عِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي؛ أَلَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ (احمد بن حنبل، ۱۴۲۰ق، جزء ۱۸، ص ۱۱۴). براساس این حدیث که شیعه و اهل سنت نقل کرده‌اند، قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام در کنار یکدیگرند و جداناپذیرند.

طبق آیه ۴۴ سوره نحل رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وظیفه تبیین آیات قرآن را برعهده داشت. ایشان استمرار وظیفه تبیین را در عترت قرار داد و آنها را به خویش ملحق کرد. علامه طباطبایی در این خصوص می‌نویسد: عبارت «لُبَّيْنِ»، تبیین نبوی را بیان نموده و اهل بیت علیهم‌السلام نیز با توجه به دلالت حدیث ثقلین به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ملحق هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱). امام صادق علیه‌السلام در روایتی پیرامون مصادیق انحصاری عترت، می‌فرماید: «سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه‌السلام عَنْ مَعْنَى قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ وَ عِزَّتِي مِنَ الْعِتْرَةِ؛ فَقَالَ: أَنَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ النَّسْعَةُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ علیه‌السلام تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيُّهُمْ وَ غَائِبُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ لَا يَفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حَوْضَهُ؛ پیرامون این کلام رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که می‌فرماید: من دو چیز ارزشمند قرآن و عترت را در بین شما به یادگار می‌گذارم؛ از امام علی علیه‌السلام سؤال شد که آنها چه کسانی هستند؟ فرمود: من و حسن و نه امام معصوم از فرزندان حسین علیه‌السلام که

مهدی علیه السلام، نهمین آنهاست. از قرآن جدا نمی‌گردند و قرآن نیز از آنها جدا نمی‌شود تا اینکه در کنار حوض کوثر بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شوند (صدوق، ۱۳۶۱، ص ۹۰). باید توجه داشت که آنچه همتای قرآن قرار گرفته، عترت و اهل بیت علیهم السلام است، نه روایات، آن هم به صورت خبر واحد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۷۶). طبق آیات قرآن مانند آیه ۵۹ سوره نساء، آیه ۴۳ سوره نحل، آیه ۱۱۹ سوره توبه و... اهل بیت علیهم السلام در تفسیر قرآن و سنت، مرجع علمی هستند که مراجعه به آنها در برداشت درست از آموزه‌های دینی نقش چشمگیری دارد و سبب اتحاد میان مسلمانان می‌شود.

۵-۱-۵. قبول عقل به عنوان یک منبع شناخت در استفاده از قرآن

از مبانی مهم مرجعیت علمی قرآن پذیرش عقل به عنوان یک منبع شناخت در استفاده از قرآن است. در حقیقت عقل، منبع زاینده معرفت و عامل رهنمون شدن انسان به سمت دین است. قوه عقل در وجود انسان تأثیر ویژه‌ای در چگونگی استفاده از منابع بیرونی و ابزارهای فهم دین دارد. عقل انسان با استناد به مصادر و ابزارها و پردازش آنها، متن را به استنتاج درآورده و با الهام گرفتن از متن، به معانی جدیدی دست می‌یابد (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۸۷-۸۸). واژه عقل بر معانی مختلفی اطلاق گشته است:

۱. نیرویی از جانب نفس انسان که ادراک بر عهده اوست؛ ۲. عملی که قوه نفس انجام داده، یعنی ادراک؛ ۳. علمی که به واسطه قوه عقل حاصل شده است؛ ۴. عقل در برابر سفاقت و جهل (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۱۹۸). باید گفت: از دیدگاه لغوی، عقل همان قوه تفکر انسان است که چنین استعمالی با معنی ماده عقل یعنی منع و حفظ و حبس همخوانی دارد و الفاظ مترادف عقل، دارای چنین معنایی هستند. انبوهی از آیات در قرآن پیرامون عقل است و غالب چنین کاربردهایی در معنای مصدری عقل یعنی تدبیر کردن و فهمیدن مشترک است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۵). از کارکردهای واضح عقل از نظر قرآن شناخت حق از باطل است (اعراف، ۱۷۹؛ رعد، ۱۹؛ ملک، ۱۰). در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز ارزش تفکر و عقل بسیار حائز اهمیت است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱،

صص ۵۹-۶۰). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» (حوانی، بی تا، ص ۵۳). از اساسی ترین فعالیت ها و کارکردهای عقل در کلام اهل بیت علیهم السلام، معرفت و شناخت است. (حوانی، بی تا، ص ۴۵).

قرآن مکرر، انسان ها را به تدبّر، تفکر و تفقّه در آیات و نشانه های خداوند متعال در جهان هستی در آیات تشریعی قرآن، دعوت می کند. پرواضح است که چنین درخواستی براساس قبول این پیش فرض است که تأمل و تعقل در قرآن کریم و معارف آن، سبب پدیدارشدن دستاوردی شود که بدون تفکر، آن نتایج فراهم نیست. به بیان دیگر، دعوت های پیوسته قرآن به تفکر، تدبّر، تفقّه، تذکّر و اجتناب از غفلت، همه از این واقعیت حکایت می کند که قوّه ادراک انسان و برآیند تأملات منطقی او، ارزش و اعتبار مثبت معرفتی دارد، و گرنه، دعوت به مقدّمه ای که بر آن هیچ نتیجه ای مترتب نیست، ناشایست و بی حکمت است. در برخی آیات، تعقل، فعال سازی نیروی عقل به عنوان یکی از ارکان و عوامل فهم قرآن و به منزله یکی از هدف های نزول کتاب الهی معرفی گردیده است (محمد، ۲۴؛ نحل، ۴۴؛ ص، ۲۹؛ انبیاء، ۱۰). شهید مطهری در تبیین آیه ۱۷-۱۸ سوره زمر می نویسد: دین اسلام از تعقل و تفکر طرفداری نموده و معنی آیه، استقلال فکر و عقل است (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۲۷۲). امام علی علیه السلام، تفقّه در قرآن و تفحص در آن را سبب احیای قلوب و از وظایف انسان ها پیرامون کتاب الهی معرفی می نماید (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۹۰-۹۱).

نقش عقل در مرجعیت علمی قرآن

حکیمان، کارکردهای متنوعی مانند استدلال و استنباط، تعریف شیء، احکام کلی وجود، معانی قضیه های کلی (ادراک کلیات)، تطبیق نمودن مفاهیم بر مصادیق و ... را در عقل نظری ذکر نموده اند (شیرازی، بی تا، ص ۳۲)، اما کارکرد عقل در مرجعیت علمی قرآن، ساحت منبعی و ساحت ابزاری دارد. از منابع شاخص علم تفسیر و اصول تحقیق و بررسی جهت دستیابی به معارف قرآن، عقل برهانی است که از مغالطه تخیل و وهم محفوظ است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۱۶۹-۱۷۰).

راهبرد ابزارگونه عقل در تفسیر کتاب الهی در گونه‌های متفاوتی قابل جریان است که به برخی از آنها می‌پردازیم:

۱. بیشتر آیات قرآن، لوازم منطقی و عقلی زیادی دارند که شناخت چنین لوازمی وظیفه عقل است.

۲. معارف توحیدی قرآن (اسماء و صفات خداوند، آخرت‌شناسی، انسان‌شناسی و...) بستگی به نوع دیدگاه قرآن به انسان و هستی دارد. معرفت به این نوع معارف، بی‌شک، بر هضم و درک جهان‌بینی توحیدی مشروط بوده و درک این جهان‌بینی به وسیله عقل استدلالی امکان‌پذیر است (اسعدی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۹۲).

۳. از کارکردهای عقل در تفسیر قرآن، کشف ظهور آیات شریفه و شناخت مقصود مخاطب با مساعدت از شناخت مفردات کلام، علوم ادبی و قرائن درونی و بیرونی، سیاق و سَنَت شارح است؛ زیرا به وسیله عقل، انسان به بررسی نوشته‌ها و گفته‌ها پرداخته و به مقصود متکَلِّم می‌رسد.

۴. پیش‌ساخت ذهنی تمام متدینان، همخوانی سخنان خداوند متعال است؛ مفاد ظاهر بعضی آیات کتاب الهی، با همدیگر نوعی تعارض و ناسازگاری را نشان می‌دهد؛ برای نمونه، برخی آیات، تمام امور مانند خواست و افعال انسان را مشمول اراده خداوند می‌داند «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (تکویر، ۲۹؛ انسان، ۳۰)، اما در بخش دیگری از آیات شریفه، مکتسبات و اعمال انسان، به خود او منسوب گشته که مسئولیت آن همان‌طوری که قرآن می‌فرماید، به انسان واگذار شده است «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹)؛ این دو قسم از آیات، در ظاهر با هم تعارض داشته و یکی از نقش‌های عقل در تفسیر قرآن، از بین بردن این تعارض‌هاست. علامه طباطبایی، بر این باور است که قرآن، کلام یکنواختی بوده که اختلافی در آن وجود نداشته و تمام اختلافات به وسیله تدبیر در کتاب الهی برطرف می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۵۲).

۵. قرآن در بیان معارف خویش در افعال و اسماء خداوند متعال و پیامبران به جهت محدودیت زبان، از برخی تعبیرات استفاده نموده که ایهام جسم‌بودن خداوند و صفات ممکن‌الوجود بر واجب‌الوجود را می‌رساند؛ برای نمونه، در آیه «وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا

صَفًّا» (فجر، ۲۲)، ظهور آیه، منسوب نمودن فعل آمدن به خداوند متعال است. اما براساس دلیل عقلی، آمدو شد مکانی که سبب محدودیت و جسمانیت است، بر خداوند متعال محال است؛ از این رو نمی توان ظهور آیه را بدون توجه به برهان عقلی اخذ کرد.

۶. قرآن در آیات بسیاری، دعوت به تدبّر در امور کرده است؛ از تعبیر مستفاد برخی آیات این است که تعقل، راهکاری جهت فهم قرآن کریم است «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ؛ این کتابی پربرکت است که بر تو نازل نمودیم تا در آیات شریفه آن تدبّر و صاحبان خرد را متذکّر شوند» (ص، ۲۹). تدبّر در حقیقت، تفکّر در ژرفای یک چیز و عمیق شدن در آن است تا عاقبت و انتهای آن معلوم شود (عسکری، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۷). تفاوت مفهومی میان تفسیر و تدبّر وجود دارد، اما براساس آیه مذکور، یکی از راهکارها و شیوه های تفسیر عمیق قرآن و دستیابی به مقاصد آن، تدبّر است. براساس این شیوه، افزون بر استخراج معنای انفرادی آیات، در ارتباط آیات با یکدیگر و در پیوند مفاهیم مختلف قرآن، نظر می شود و از این طریق، معارف جدیدی از قرآن قابل کشف است که از سایر راهکارها قابل استفاده نیست. مرحوم علامه می نویسد: تفسیر حقیقی قرآن، تفسیری است که از تدبّر نمودن در آیات و استمداد در سایر آیات مرتبط حاصل می شود (طباطبایی، ۱۳۷۰، ص ۵۳؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۹۴-۹۲).

عقل، منبع کشف معارف خداوند متعال

افزون بر کارکرد ابزاری عقل در تفسیر قرآن که می تواند بازشناسی معنایی را شامل شود، عقل انسان با تکیه بر مبادی تصدیقی و تصوّری نظری و بدیهی، می تواند با عنایت به رسالت وحی و مخاطب سخن، به ابداع و کشف معارف خداوند، نائل گشته و نقش منبعیّت را ایفا کند. عقل برهانی در حقیقت، افزون بر بررسی قرآن و سنّت رسول اکرم ﷺ، به بررسی احکام خویش می پردازد. مصالح و مفاسد احکام، مستقلّات عقلیه، قاعده ملازمه، حسن و قبح عقلی، تعادل و تراجیح، وجوب مقدّمه واجب و حجّیّت ظواهر (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۲۹۹) از کارکردهای عقل هستند. مفاد قاعده ملازمه، که مثکی بر

ابتنای احکام به مصالح حقیقی و مفاسد است، این است که با حکم نمودن عقل به چیزی، شرع نیز براساس آن حکم می‌نماید، اما هنگام عدم دستیابی منافع احکام توسط عقل و ذو حکم بودن آن، شارع مقدس حکم می‌کند که یقیناً مصلحتی در میان بوده و گرنه شارع مقدس حکم نمی‌کرد؛ بنابراین، به همان صورت که در کشف مصالح حقیقی، عقل، حکم شرعی را کشف می‌نماید، از کشف حکم شرعی به وجود مصالح حقیقی پی می‌برد (نائینی، بی‌تا، ص ۳۷؛ خراسانی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۲).

آیت‌الله جوادی آملی، پیرامون کارکرد منبعی و ابزاری عقل در تفسیر قرآن می‌نویسد: تفسیر عقل، به دو صورت امکان پذیر است: ۱. به وسیله تفتّن عقل از دلایل خارجی و داخلی؛ به این معنا که عقل، با اصطیاد معنای آیه‌ای از گردآوری آیات و احادیث، که در این حالت، عقل تنها نقش مصباح داشته و این تفسیر عقلی مجتهدانه با توجه به تحقق یافتن از منابع نقلی، جزء تفسیر به مأثور است، نه تفسیر عقلی؛ ۲. به وسیله استنباط از بعضی مبادی تصدیقی و تصویری از علوم متعارفه و منبع ذاتی عقل برهانی امکان‌پذیر است که در این حالت، عقل، نقش منبع داشته و صرف مصباح نیست؛ لذا تفسیر عقلی، مواردی را شامل می‌شود که بعضی از مبادی تصدیقی و مبانی پنهان برهان مطلب توسط عقل استنباط شود و آیه شریفه مورد نظر بر خصوص آن حمل گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۵۸-۵۹؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۹، صص ۹۵-۹۴).

۵-۶. کارآمدی کاربری روش‌های علمی در تبیین معارف قرآن کریم

در تبیین معارف قرآن، علمی که مورد نیاز یک مفسّر است، در اینجا نیز استفاده می‌شود؛ برای نمونه، علم ادبیات که شامل اقسامی است؛ علم لغت برای دسترسی به معنای ماده لغت قابل استفاده بوده و نقش مهمی در تبیین معارف قرآن کریم برعهده دارد. علم صرف در دسترسی یک مفسّر به معنای ساخت‌های لغات قرآنی تأثیرگذار است. علم نحو در فهم درست مفاد ساختار عبارات قرآنی، به مفسّر کمک می‌کند؛ همچنین علم بلاغت در کشف دقیق ظرایف و مقاصد قرآنی از طریق لغات و ترکیب و ساختارهای گوناگون آنها نقش ویژه دارد. علم فقه، اصول فقه و کلام نیز به عنوان

علمی که در موضوع سخن و شفاف‌سازی فضا تأثیر چشم‌گیری دارند، از دانش‌های پیش‌نیاز تفسیر و تبیین معارف قرآن به‌شمار می‌رود. علوم قرآنی با بیان خصوصیات قرآن در فهم کتاب الهی تأثیرگذار بوده و از دانش‌های پیش‌نیاز تبیین معارف قرآن و تفسیر آن هستند. علم فقه‌الحديث و رجال و درایه با دو واسطه و به‌صورت غیرمستقیم، در تبیین معارف قرآن و تفسیر آن نقش دارند؛ زیرا از معتبربودن، سندیت، نوع و فهم احادیث سخن گفته و روایات نیز به‌عنوان منبع مهمی در تبیین معارف قرآن و تفسیر آن نقش ایفا می‌کنند. علوم تجربی شامل علوم انسانی و طبیعی در استفاده بهینه و صحیح از دستاوردهای دانش‌های تجربی در آیات کیهانی، زمینی، جوّی، پدیده‌های انسانی و انسان، مفسّر را یاری نموده و در تبیین معارف قرآن نقش مهمی دارند (رجبی، ۱۳۹۱، صص ۲۴۹ و ۲۶۲).

از خدمات علوم تجربی به فهم معارف قرآن، این است که بخشی از نتایج قطعی این دانش‌ها، جهت اثبات بعضی گزاره‌های دین استعمال می‌شود. قسمتی از چنین گزاره‌هایی، بیانگر حقایقی هستند که از یافته‌های علمی می‌توان به‌عنوان یکی از صغری‌ها و مقدمات برهان‌های فلسفی اثبات آنها استفاده نمود (مصباح یزدی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۵)؛ برای نمونه، دانش زیست‌شناسی می‌تواند به روش خویش، نظم فوق‌العاده و ارتباط پیچیده بین اجزای موجودی زنده را کشف نماید که به زندگی و رشد آن کمک می‌کند؛ اگر چنین یافته‌های علمی را در قالب دستگاه استدلال فلسفی بگذاریم و کبری (مقدمه عقلی) به آن ضمیمه کنیم که هر نظامی توسط ناظمی مطلع خلق شده است، باید نتیجه گرفت که نظام هستی با این نظم حساب شده و دقیق خویش، به ناظمی مطلع وابسته است؛ بنابراین، به این شکل یافته‌های علمی تجربی برای خدمت به اثبات اصولی اعتقادی از معارف قرآن و دین به کار می‌رود. از جهت دیگر، مسائلی که از رهگذر وحی مبرهن گشته و به‌صورت آموزه‌ها و متون دینی به ما انتقال یافته‌اند، نعمت‌های خداوند بوده که فقط برای مؤمنان دارای یقین هستند. بعضی از این حقیقت‌ها قابل اثبات و تبیین از طرق تجربی یا عقلی نیز هستند. اثبات این مسائل با به کار بردن مقدمات و روش‌های مورد پذیرش سایرین، می‌تواند به آنها کمک کند تا افزون بر

اینکه به فهم آن حقیقت‌ها راه یابند، از طریق آن به حقانیت معارف قرآن پی برده و به منشأ هدایت راهنمایی شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲). افزون بر موارد مذکور، با اثبات چیزهایی که در دین مبین اسلام پیرامون حقایق عقلی و تجربی ذکر شده و قیاس آنها با سایر نظریات فلسفی و علمی، علو اسلام را می‌توان ثابت نمود (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۸).

احکام تعبدی قرآن، از مصلحت‌ها و مقاصد حقیقی تبعیت می‌کند. انبوهی از این مصالح، مرتبط با سعادت اخروی انسان بوده و نمایانگر ارتباطی هستند که بین فعل اختیاری بشر با قرب به‌سوی خداوند و کمال‌نهایی وجود دارد. معرفت به این‌گونه مصلحت‌ها، از تجربه و عقل خارج است، اما برخی مصلحت‌های فرامین دینی به آثار و فوایدی مرتبط است که در این دنیا نصیب جامعه یا فرد می‌شود. این مصالح دنیایی، از طریق تجربه نیز قابل اثبات بوده و می‌توانند اندازها و توصیه‌های معارف قرآن را با مساعدت روش تجربی، اثبات و تبیین نمایند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۵).

۲۵

مُطَالَعَةُ الْقُرْآنِ

وَالْعِلْمُ
وَالْحَقُّ
وَالْجَنَّةُ

یکی دیگر از خدمات علم که قادر است در ساحت مسائل دستوری و عملی، در اختیار معارف قرآن قرار دهد، مساعدت در ساحت موضوع‌شناسی احکام است. در دین اسلام، تمام احکام به‌صورت کلی بیان گشته و می‌توان با استناد به آنها، در تمام شرایط، احکام جزئی را استخراج و استنباط کرد، اما برای تطبیق چنین احکام کلی بر مصادیق ویژه آن بر هر مکان و زمان و با عنایت به شرایط گوناگون، لازم است خصوصیات وضعیت فعلی به دقت شناخته شده تا حکم مرتبط با آن مشخص شود؛ چه بسا جهت تشخیص ویژگی‌های موضوع حکمی دینی، محتاج این باشیم که از برخی روش‌های تجربی همچون آمار استفاده نماییم. افزون بر آن، در تزامن دو مصلحت که سبب دو حکم متفاوت می‌شود، ممکن است لازم باشد که به جهت تشخیص مصلحت اهم، از یافته‌های نیمه‌تجربی علوم انسانی یا طبیعی و تجربی، استفاد شود. نکته حائز اهمیت این است که در چنین اموری استفاده از روش تجربی به این معنا نیست که مثلاً استقراء یا آمار، قادر به تعیین احکام حقوقی دین یا تغییر آن هستند؛ بلکه آنها صرفاً زمینه‌های مفسده و مصلحت را معرفی نموده و به عبارت دیگر، موضوع را معین می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، صص ۲۹۶-۲۹۹).

در بعضی مسائل فقهی، اطلاعات ویژه از علوم تجربی، به فقیه کمک کرده تا در مسائل اجتماعی به شناختی دقیق و صحیح از موضوعات احکام نایل شود. درباره مسائل مستحدثه و موضوعات نوپدید، این مطلب از اهتمام قابل توجهی برخوردار است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۶). لذا یک فقیه، مضاف بر علوم رایج در حوزه باید از علوم روز نیز اطلاع کافی داشته باشد تا با به کار بردن قواعد در دست خود، قادر باشد احکام مبتلابه جامعه را در هر برهه زمانی تشخیص داده و براساس نظر شارع، فتوا صادر کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، صص ۹۶-۹۷). ممکن است جهت شناخت مصادیق جزئی، خود ما مواردی را تجربه یا برخی موارد را از یافته‌ها و تحقیقات دیگر دانشمندان استفاده کنیم؛ ازاین‌رو زمینه مساعدت متخصصان رشته‌های مختلف علمی و سایر علوم به دانشمندان قرآنی این است که در تشخیص دادن مصداق، جهت موضوع قواعد کلی شرعی به او کمک کنند؛ بنابراین، به صرف دسترسی به معارف قرآن نمی‌توانیم از دیگر علوم بی‌نیاز شویم؛ زیرا جهت معرفت به موضوعات، به علوم گوناگونی نیازمندیم؛ علاوه بر آن، با معرفت و فراگیری علوم، بی‌نیاز از قرآن نمی‌شویم؛ زیرا معرفت به علوم، بدون استنباط حکم آنها از قرآن و منابع اسلامی، قادر نیست که انسان را به سمت هدف رهنمون نماید (مصباح یزدی، ۱۳۷۲، صص ۱۹-۲۰).

۵-۱-۷. نظام‌مندی معارف و مفاهیم قرآن کریم

تثبیت و تعمیق ارزش‌ها، باورها و رفتارهای نظام‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی قرآن‌بنیان، یکی از نیازهای کلیدی جامعه اسلامی جهت دفاع و حفاظت از آرمان‌های اسلامی با معارف وحیانی و ارائه الگویی کارآمد به جوامع جهانی است. به ثمر نشستن چنین هدفی، کشف نظریات و گزاره‌های تکوین نظام‌های جوامع وابسته به معارف قرآن است. در بیانات رهبر معظم انقلاب نیز، نظام‌سازی، امری پیچیده، دشوار و از مطالبات اسلام ذکر شده است. ساماندهی و طراحی در مطالعات نظام‌سازی قرآن‌بنیان، افزون بر آنکه سبب ارتقاء و اصلاح نظام‌ها و سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فروع آنها می‌شود، فرامکانی و فرازمانی بودن قرآن را اثبات

کرده که خود، خطّ بطلانی بر تاریخ‌مند بودن قرآن است. بی‌تردید، کشف نمودن و استخراج نظامات قرآن‌بنیان، در کنار استفاده از جدیدترین دستاوردهای مثبت نظام‌های انسان، از آثار سوء نظام‌های ماتریالیستی که سبب ضلالت، انحطاط، عدم‌عدالت و تبعیض‌های ناروا گردیده، ممانعت می‌کند (یوسفی مقدم، ۱۴۰۱، صص ۱-۳). در بیان آیت‌الله خامنه‌ای، نظام‌سازی به‌عنوان امری صعب و دشوار معرفی شده و از طرفی، مطالبه اسلام است (آنچه از مجموع معارف قرآن استفاده می‌شود و درمی‌یابیم، ایجاد نظام اسلامی به شیوه کامل، مطالبه اسلام از مسلمین است)؛ (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). افزون بر آن، ایشان می‌فرماید: کار بزرگ، کار اصلی و اساسی شما، نظام‌سازی است که امری صعب و دشوار است؛ نگذارید لیبرالیسم غربی یا الگوهای لائیک یا گرایش‌های چپ مارکسیستی یا ناسیونالیسم افراطی، خویش را بر شما تحمیل نماید (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶). بنابراین، نگاه نظام‌مند و سیستماتیک به معارف قرآن، از عوامل تکوّن‌ساز این امر است.

نظام، در حقیقت نخی است که مروارید و شبه آن را با نظم به رشته درآورده و به تمام ابزارهایی که تشکیل مبدأ فعل نظم را سبب می‌شود نیز اطلاق می‌گردد (ابن‌منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸). جهت معرفت به مفهوم نظام، شایسته است که به نظریه سیستم‌ها اهتمام شود. «سیستم» در لغت به معنی دستگاه، نظام، دستگاه حکومت و قاعده فکری-فلسفی و ... ذکر گردیده است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۱۶۹۹) و مجموعه‌ای از روابط و اجزاء میان آنهاست که با ویژگی‌های شاخص به هم مرتبط گشته و چنین اجزایی با محیط خویش، سبب تشکیل یک کل می‌شود. این اجزاء، مانند بدن انسان یا کارخانه، در جهت به ثمر رسیدن یک هدف ویژه حرکت کرده و یکدیگر را جهت نیل به آن تکمیل می‌کند. باید گفت که به‌طور معمول در فارسی به‌جای سیستم از لغت نظام استفاده می‌شود. پژوهشگران قرآنی و مفسران از قدیم به قرآن، نگاهی سیستمی داشته‌اند؛ برای نمونه، مرحوم علامه طباطبایی تمام معارف قرآنی را به اصل توحید و معاد و نبوت برگردانده و خصوصیات این اصول را در جهت ارتباط با اصلاح دنیا و آخرت بشر و هدایت او می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰). درحقیقت نگاه سیستماتیک و نظام‌مند به قرآن، امری کلیدی در ساخت تمدن اسلامی است. به عبارت دیگر،

نظریات سیستمی و نظام‌مند مخالف قرآن، در ساختار علوم، اندیشه، تصوّرات و تکوّن الگوی سبک حیات اجتماعی و فردی، تأثیرگذار بوده و در جامعه کنونی با توجّه به رشد چشمگیر تکنولوژی ارتباطات، تأثیر بیشتری دارد. درواقع، سیستم‌ها و نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و انبوهی از فروع آنها با دیدگاه لیبرالیستی در علوم انسانی در مقابل معارف قرآن، عرض اندام کرده و در بخش زیادی از موارد، انحراف جوامع اسلامی و بشری را دامن زده و شاخص‌ترین راه برخورد و مقابله با آنها، رویکردی نظام‌مند و سیستمی به مفاهیم قرآن و استخراج نظامات انسانی از آن یا عرضه نمودن نظاماتی که در قرآن وجود دارد، با غرض معیار قضاوت دانستن قرآن و استکمال آنها، با هدف انتخاب نظریه برتر و مقایسه است (یوسفی مقدم، ۱۴۰۱، صص ۱۳-۱۷).

شواهد و دلایل نظام‌مندی قرآن کریم

آیه ۲۴ سوره ابراهیم به سیستماتیک و نظام‌مندی قرآن اشاره می‌کند: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ؛ آیا ندیدی که خداوند متعال چگونه برای کلمه طیبیه مثال زده و کلمه طیبیه را شبیه درختی پاکیزه که ریشه آن در زمین پابرجا و شاخه‌هایی در آسمان دارد، قرار داده است». علامه طباطبایی چنین معنایی را از بهترین معانی آیه ذکر نموده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۱). علامه طباطبایی بر این باور است که منظور از کلمه طیبیه، کلمه توحید و اقرار و شهادت به یگانگی خداوند متعال و استقامت بر آن است که از هر زوال، تغییر و بطلان در امان است. شاخه‌های توحید مانند اخلاق نیکو و اعمال نیک که سبب رونق حیات طیبیه است، از آن اصل بدون هیچ مانعی سرچشمه گرفته و جوانه زده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، صص ۵۱-۵۳). درحقیقت، تفسیر علامه از رویکرد نظام‌مند و سیستمی وی به معارف قرآن حکایت دارد و تمام فروع به اصل توحید رجوع می‌کند، اما با عنایت به مبنای علامه که واژه «طیبیه» را به فعل «جعل» منصوب دانسته، قابل پذیرش نیست که مقصود از واژه طیبیه، توحید باشد؛ زیرا یکتا بودن خداوند متعال امر مجهولی نیست و ظاهر آیه شریفه، واژه طیبیه را مجهول مرکبی دانسته که با دارا بودن اصل و فرع، بالفعل در خارج

وجود دارد؛ لذا مقصود از واژه «طَّيِّبَه» قرآن است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۲۴۴) که شبیه درخت مشتمل بر اصول و فروع است. براساس آیه شریفه، قرآن، یک نظام و سیستم، دیده شده و تشبیه نمودن به شجره طَّيِّبَه، استعاره‌ای از سیستم است، اما روایت که اصل و فرع را به رسول اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام تطبیق داده، از باب تطبیق و جری قرآن است؛ همچنین باید گفت: نگاه نظام‌مند و سیستمی به آیات قرآن، تأثیرگذاری شایسته و صحیح آن را بر تغییر و تحولات اجتماعی افزایش می‌دهد. به همان صورت که نگاه جزئی به آیات قرآن، تأثیرپذیری از تغییرات و تطبیق قرآن بر حوادث زمان و شرایط را افزایش می‌دهد؛ برای نمونه، آیه ۵۹ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» براساس تفکر کلامی امامیه، به شکل مطلق، اطاعت از اولی الامر و جوب دارد؛ آیه شریفه، مبنای اساسی تشکیل حکومت است و این امر را که با چه شروطی و از چه کسی باید اطاعت کرد، بیان کرده است؛ در مقابل آن، با چشم‌پوشی از تحولات تاریخی امامت، شافعی آیه ۱۱۵ سوره نساء که مخالفت با مؤمنان را شبیه ترک ایمان مذمت کرده و آن را هم‌ردیف عدم تبعیت از رسول اکرم ﷺ قرار داده، را دلیل بر حجیت اجماع و صحت آن دانسته است «وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ» (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۲۲۸). وی چنین استدلالی را در جواب این سؤال که بر حجیت اجماع چه دلیلی وجود دارد و جهت توجیه کردن شرعی خلافت و ذکر مصداق برای اولی الامر، ذکر نموده است. برخی گفته‌اند: شافعی ۳۰۰ مرتبه قرآن را مطالعه نموده تا فهمیده که آیه شریفه، دلیل حجیت اجماع است (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۲۲). پرواضح است که وی در رویارویی با یک حقیقت تاریخی و متأثر از آن، در برداشتی جزئی، قرآن را بر آن تطبیق داده است. قبل از فروپاشی خلافت عثمانی، متفکران دهه ۲۰، افزون بر ترویج تفکر ناسیونالیستی، تصمیم به تغییر و تحول دین‌شناسی مسلمانان کرده و با این ادعا که جایز نیست خداوند متعال ما را مجبور به اطاعت از افراد دیگر کند، آیات شوری را کانون توجه قرار داده‌اند؛ برای نمونه می‌توان به آیه

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» اشاره کرد که شیعه و سنی در این حالت عملکرد مشابهی داشته‌اند. دستاوردهایی مانند زمینه‌سازی جهت احیاء تمدن نوین اسلامی، استخراج اهداف نزول قرآن مانند رحمت، هدایت، عدالت، شفا، ربوبیت و ... و دسته‌بندی سیستماتیک و نظام‌مند آنها، تعریف مفاهیم قرآن و تفکیک موارد شاخص از مؤلفه‌های فرعی شبیه توحید، مشیت، ربوبیت، اختیار، عدالت، ولایت، شوری و ...؛ کشف ارتباطات و تناسب مؤلفه‌ها و مفاهیم و ایجاد طبقه‌بندی سیستماتیک آنها و ارائه کردن آن مفاهیم که شامل مفاهیم فرعی و اصلی به هم پیوسته و تبیین تأثر و تأثیر آنها بر یکدیگر می‌شود، تفسیر نظام‌مند و سیستماتیک قرآن با هدف استخراج نظریات قرآن‌بنیان و زمینه‌سازی جهت پاسخ‌گویی قرآن به مسائل جامعه با شیوه استنتاج اطمینان‌بخش، از دستاوردهای نگاه سیستمی و نظام‌مند به قرآن کریم است (یوسفی مقدم، ۱۴۰۱، صص ۲۱-۲۰).

نتیجه‌گیری

۱. جامع‌ترین تعریف مرجعیت علمی قرآن عبارتست از: تأثیر‌گذاری معنادار قرآن بر علوم ساخت‌یافته. این تأثیر‌گذاری در عرصه‌های گوناگون دانشی (اعم از علوم اسلامی، علوم انسانی و علوم طبیعی) و به گونه‌های مختلف (اثر‌گذاری استنباطی، استلهامی، استکمالی، حکیمیتی و نگرشی و بینشی) جاری است. البته لزوماً این تأثیر‌گذاری تأثیر مستقیم در تمام ابعاد علوم را معنا نمی‌دهد.
۲. مبانی «مرجعیت علمی قرآن» مواردی همچون جامعیت قرآن و استفاده علوم از آن، جهان‌شمولی و جاودانگی معارف قرآن، پاسخ‌گو بودن قرآن به نیازهای عصری، عدم تفکیک قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان مفسران حقیقی از قرآن، قبول عقل به عنوان یک منبع شناخت در فهم معارف قرآن، استفاده از روش‌های علمی و تجربه بشری در تولید علوم بشری و تبیین معارف قرآن و نظام‌مندی معارف و مفاهیم قرآن را شامل می‌شود.

۳. از اهداف مرجعیت علمی قرآن، می‌توان به فراهم کردن زیرساخت‌های علمی برای تحقق مرجعیت علمی قرآن، نهادینه شدن مرجعیت قرآن در فرآیند تولید علم و

محتوای علوم و ابتدای نظام‌های خرد و کلان اجتماعی و معرفتی بر معارف قرآن، فرهنگ‌سازی و زمینه‌سازی برای اتکای عالمانه کنش‌گران اجتماعی فرهنگی به قرآن و دسترسی به روش سازمان یافته در رجوع و بهره‌مندی از قرآن در علوم اشاره کرد.

۴. از مبانی مهم مرجعیت علمی قرآن، نظام‌مندی معارف قرآن است. درحقیقت، ساماندهی و طراحی در مطالعات نظام‌سازی قرآن‌بنیان، افزون بر ارتقاء و اصلاح نظام‌ها و سیستم‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فروع آنها، فرامکانی و فرازمانی بودن قرآن را اثبات کرده که خود خط بطلانی بر تاریخ‌مند بودن قرآن است. بی‌تردید، کشف و استخراج نظامات قرآن‌بنیان، در کنار استفاده از جدیدترین دستاوردهای مثبت نظام‌های انسان، از آثار سوء نظام‌های ماتریالیستی که سبب ضلالت، انحطاط، عدم عدالت و تبعیض‌های ناروا شده، ممانعت می‌کند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

** نهج البلاغه.

- ابن ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ج ۷). ریاض: مکتبه نزار.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). عیون اخبار الرضا (ج ۲). تهران: نشر جهان.
- ابن فارس، محمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. (ج ۱). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۵ق). لسان العرب (ج ۱، ۱۲). قم: ادب حوزه.
- احسانی، محمد. (۱۳۹۳). مبانی تربیت عقلانی از منظر قرآن کریم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- احمد بن حنبل. (۱۴۲۰ق). مسند الإمام احمد بن حنبل (ج ۱۸، چاپ دوم). تحقیق: شعبی ارنو و دیگران. بی جا: مؤسسه الرسالة.
- اسعدی، محمد و همکاران. (۱۳۹۹). آسیب شناسی جریان های تفسیری (چاپ پنجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اعرابی، غلامحسین. (۱۴۰۱). نگاهی نو به مرجعیت علمی قرآن بر پایه کلام مقام معظم رهبری. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بازرگان، مهدی. (بی تا). آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ق). المحاسن (ج ۱). قم: دارالکتب الإسلامیه.
- جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ق). احکام القرآن (ج ۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم، قرآن در قرآن (چاپ دوم). قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹). تفسیر تسنیم (ج ۱). قم: مرکز نشر اسراء.

حرّانی، ابن شعبه. (بی تا). تحف العقول. قم: مؤسسه النشر الإسلامي.

حق شناس، علی محمد و همکاران. (۱۳۸۱). فرهنگ معاصر انگلیسی-فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۳/۱۲/۲۱). بیانات رهبر انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir>.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۹۰/۶/۲۶). بیانات رهبر انقلاب در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری: <https://farsi.khamenei.ir>.

خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول. قم: مؤسسه آل‌البیت علیه السلام.

خواجه صالحانی، اسرافیل. (۱۴۰۱). مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه علامه طباطبائی. قم: امتداد حکمت.

درویش، محی‌الدین. (۱۴۱۵ق). اعراب القرآن و بیانہ (ج ۲). سوریه: دارالارشاد.

رجبی، محمود. (۱۳۹۱). روش تفسیر قرآن (چاپ پنجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۹۶). مرجعیت علمی قرآن کریم. سلسله منشورات کنگره بین‌المللی قرآن کریم و علوم انسانی، قم: مرکز ترجمه و نشر المصطفی.

رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ جزائری، سیدحمید. (۱۳۹۷). درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات قرآن و علوم انسانی (چاپ دوم). قم: انتشارات جامعه المصطفی‌العالمیة.

زرکشی، محمدبن عبدالله. (۱۴۱۵ق). البرهان فی علوم القرآن (ج ۲). بیروت: دارالمعرفه.

زمخشری، محمودبن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق التّزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التّأویل (ج ۲). بیروت: دارالکتاب العربی.

سلیم، حسین. (۲۰۰۲م). قالوا فی الإسلام و القرآن و الرّسول. بیروت: رشاد.

سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۲۱ق). الإیتقان فی علوم القرآن (ج ۱، ۲). بیروت: دارالکتاب العربی.

شیرازی، صدرالدین. (بی تا). شرح اصول الکافی. تهران: مکتبه المحمودی.

صدوق، محمدبن علی. (۱۳۶۱). معانی الأخبار. (مصحح: علی اکبر غفاری) قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۰). قرآن در اسلام (چاپ دوم). قم: دار الکتب الإسلامیة.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، ۷، ۱۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

طباطبایی، سید محمد حسین. (بی تا). شیعه در اسلام. قم: انتشارات هجرت.

طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲). بیروت: دار المعرفه.

طوسی، محمد رضا؛ عالمی، عبدالزؤوف. (۱۳۹۶). رابطه مرجعیت علمی قرآن با جهانی، جاودانگی و جامعیت قرآن کریم. مجموعه مقالات نخستین کنگره قرآن کریم و علوم انسانی (ج ۱). قم: انتشارات المصطفی.

طیب حسینی، سید محمود و همکاران. (۱۳۹۶). تفسیرشناسی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

عسکری، ابی هلال. (۱۴۱۰ق). الفروق اللغویة. بی جا: مکتبه بصیرتی.

عظیمی، محمد شریفه. (۱۳۹۶). چیستی و چگونگی مرجعیت قرآن در علوم انسانی. مجموعه مقالات نخستین کنگره ملی قرآن کریم و علوم انسانی. قم: انتشارات المصطفی.

غرسبان، مرتضی. (۱۳۹۹). مرجعیت علمی قرآن از دیدگاه دکتر گلشنی. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، دوره ۲، شماره ۳، شماره پیاپی ۵، صص ۸۸-۱۱۶.

غزالی، محمد. (بی تا). إحياء علوم الدین (ج ۱). بی جا: دارالکتاب العربی.

فاکر میدی، محمد. (۱۳۹۲). مبانی تفسیر روایی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فاکر میدی، محمد؛ رفیعی، محمد حسین. (۱۳۹۸). مرجعیت علمی قرآن از نگاه علامه طباطبایی. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، دوره ۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱، صص ۸-۳۸.

فیروز مهر، محمد مهدی. (۱۳۹۸). مرجعیت علمی قرآن از نگاه استاد مطهری. فصلنامه مطالعات علوم قرآن، دوره ۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۲، صص ۷-۳۶.

قاسمی، محمد علی. (۱۴۰۰). مرجعیت علمی قرآن کریم در علوم سیاسی براساس لایه های وجودی انسان. دوفصلنامه دین و دنیای معاصر. سال هشتم، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۴، صص ۹۵-۱۱۸.

کارگروه مرجعیت علمی قرآن کریم. (۱۳۹۹). منشور مرجعیت علمی قرآن کریم. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کریمی، مصطفی. (۱۳۸۵). قرآن و قلمروشناسی دین. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). کافی (ج ۱). تهران: دارالکتب الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۲۶). بیروت: دار إحياء التراث العربي.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۶۰). ایدئولوژی تطبیقی (ج ۱، ۲). قم: مؤسسه در راه حق.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۲). سلسله گفت و شنودهایی درباره مباحث بنیادی علوم انسانی، گفت و گو با استاد محمد تقی مصباح یزدی. فصلنامه مصباح، ۲(۸). قم: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۶). مباحثی پیرامون حوزه. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۷). رابطه علم و دین (چاپ پنجم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصطفوی، حسن. (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۸). تهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۵۸). آشنایی با علوم اسلامی. قم: صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). مجموعه آثار (ج ۲، ۱۶). تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.

مؤدب، سید رضا. (۱۳۹۶). مبانی تفسیر قرآن چاپ چهارم (.). قم: انتشارات دانشگاه قم.

میرکتولی، سید علی. (۱۴۰۰). مرجعیت علمی قرآن از منظر امیرالمؤمنین. قم: بوستان کتاب.

نائینی، محمد حسین. (بی تا). اجود التقریرات (تقریر: ابوالقاسم خویی). قم: انتشارات مصطفوی.

یوسفی مقدم، محمد صادق. (۱۴۰۱). ضرورت نگاه نظام مند به معارف قرآن با رویکرد تمدنی.

دو فصلنامه مطالعات تفسیری و معناشناختی قرآنی. دوره ۵، شماره ۸، صص ۵-۲.

References

* The Holy Quran

** Nahj al-Balagha

Ahmad ibn Hanbal. (1999). *Musnad al-Imam Ahmad ibn Hanbal* (Vol. 18, 2nd ed., Sh. Arna'ut et al., Eds.). N.p.: Mu'assasat al-Risalah. [In Arabic]

al-Saduq, M. A. (1982). *Meanings of the Traditions* (A. A. Ghafari, Ed.). Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]

A'rabi, Q. (2022). *A New Perspective on the Scientific Authority of the Qur'an Based on the Discourse of the Supreme Leader*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

As'adi, M., & Colleagues. (2020). *Pathology of Qur'anic Interpretive Currents* (5th ed.). Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]

Askari, A.-H. (1990). *Al-Furuq al-lughawiyya*. Maktabat Basirati. [In Arabic]

Azimi, M.-S. (2017). *The nature and modality of the Quran's authority in the human sciences*. In *Proceedings of the First National Congress on the Holy Quran and Human Sciences*. Qom: Al-Mustafa Publications. [In Persian]

Barqi, A. M. (1951). *Al-Mahasin* (Vol. 1). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]

Bazargan, M. (n.d.). *The Hereafter and God: The Goal of the Prophets' Mission*. Tehran: Rasa Cultural Services Institute. [In Persian]

Darwish, M. (1995). *I'rab al-Qur'an wa bayanuh* (Vol. 2). Syria: Dar al-Irshad. [In Arabic]

Ehsani, M. (2014). *The Foundations of Rational Education from the Perspective of the Noble Qur'an*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

Faker Meybodi, M. (2013). *Foundations of narrative exegesis*. Qom: Research Institute for Islamic Culture and Thought. [In Persian]

- Faker Meybodi, M., & Rafiee, M.-H. (2019). *The scientific authority of the Quran from the perspective of Allameh Tabataba'i*. *Quranic Sciences Studies*, 1(1), pp. 8–38. [In Persian]
- Firoozmehr, M.-M. (2019). *The scientific authority of the Quran from the perspective of Martyr Motahhari*. *Quranic Sciences Studies*, 1(2), pp. 7–36. [In Persian]
- Gharasban, M. (2020). *The scientific authority of the Quran from the perspective of Dr. Golshani*. *Quranic Sciences Studies Quarterly*, 2(3), pp. 88–116. [In Persian]
- Ghasemi, M. A. (2021). *The scientific authority of the Holy Quran in political sciences based on the existential layers of human beings*. *Contemporary Religion and World*, 8(1), pp. 95–118. [In Persian]
- Ghazzali, M. (n.d.). *Ihya' 'ulum al-din* (Vol. 1). Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Haqshenas, A., et al. (2002). *Contemporary English-Persian Dictionary*. Tehran: Contemporary Dictionary. [In Persian]
- Harrani, Ibn Shu'bah. (n.d.). *Tuhaf al-Uqul*. Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]
- Ibn Abi Hatim, 'A. M. (1998). *Tafsir al-Qur'an al-'Azim* (Vol. 7). Riyadh: Maktabat Nizar. [In Arabic]
- Ibn Babawayh, M. A. (1959). *'Uyun akhbar al-Rida* (Vol. 2). Tehran: Nashr-e Jahan. [In Arabic]
- Ibn Faris, M. (1984). *Mu'jam maqayis al-lughah* (Vol. 1). Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. [In Arabic]
- Ibn Manzur, M. M. (1985). *Lisan al-'Arab* (Vols. 1, 12). Qom: Adab al-Hawzah. [In Arabic]
- Jassas, A. A. (1985). *Ahkam al-Qur'an* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]

- Javadi Amoli, A. (1999). *Thematic Interpretation of the Noble Qur'an: The Qur'an in the Qur'an* (2nd ed.). Qom: Isra Publications. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2000). *Tafsir al-Tasnim* (Vol. 1). Qom: Isra Publications. [In Persian]
- Karimi, M. (2006). *The Quran and the scope of religion*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2011). *Statements of the Supreme Leader at the International Conference on Islamic Awakening*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir> [In Persian]
- Khamenei, S. A. (2015). *Statements of the Supreme Leader in a Meeting with Members of the Assembly of Experts*. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir> [In Persian]
- Khorasani, M. K. (1989). *Kifayat al-Usul*. Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Khwaja Salehani, E. (2022). *The Scientific Authority of the Qur'an According to 'Allamah Ṭabāṭabā'i*. Qom: Imtedad-e Hikmat. [In Persian]
- Kulayni, M. b. Y. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 1). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Majlesi, M.-B. (1983). *Bihar al-anwar* (Vol. 26). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Mesbah Yazdi, M.-T. (1981). *Comparative ideology* (Vols. 1-2). Qom: Dar Rah-e-Haqq Institute. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M.-T. (1993). *A series of dialogues on fundamental issues in the human sciences: Interview with Ustad Misbah Yazdi*. Misbah, 2(8). Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M.-T. (1997). *Discourses on the seminary*. Qom: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M.-T. (2018). *The relationship between science and religion* (5th ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]

- Mirkatoli, S. A. (2021). *The scientific authority of the Quran from the viewpoint of Imam Ali (peace be upon him)*. Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
- Mo'addab, S.-R. (2017). *Foundations of Quranic interpretation* (4th ed.). Qom: University of Qom Press. [In Persian]
- Mostafavi, H. (2006). *Al-Tahqiq fi kalimat al-Qur'an al-karim* (Vol. 8). Tehran: Center for Publishing the Works of Allameh Mostafavi. [In Arabic]
- Motahhari, M. (1979). *An Introduction to Islamic sciences*. Qom: Sadra. [In Persian]
- Motahhari, M. (1993). *A Collection of works* (Vols. 2 & 16). Tehran: Sadra. [In Persian]
- Motahhari, M. (2003). *Education and upbringing in Islam*. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Na'ini, M. H. (n.d.). *Ajwad al-taqirrat* (A. Khoei, Ed.). Qom: Mostafavi Publications. [In Arabic]
- Rajabi, M. (2012). *The Method of Qur'anic Interpretation* (5th ed.). Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]
- Rezaei Esfahani, M. A. (2017). *The Scientific Authority of the Noble Qur'an*. In Proceedings of the International Congress on the Qur'an and Human Sciences. Qom: al-Mustafa Center for Translation and Publication. [In Persian]
- Rezaei Esfahani, M. A., & Jazayeri, S. H. (2018). *An Introduction to the Methodology of Qur'anic and Human Sciences Studies* (2nd ed.). Qom: al-Mustafa International University. [In Persian]
- Salim, H. (2002). *Qalou fi al-Islam va al-Quran va al-Rasoul*. Beirut: Rashad. [In Arabic]
- Scientific Authority of the Holy Quran Working Group. (2020). *Charter of the Scientific Authority of the Holy Quran*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]

- Shirazi, S. D. (n.d.). *Sharh Usul al-Kafi*. Tehran: Maktabat al-Mahmudi. [In Arabic]
- Suyuti, J. D. (2000). *Al-Itqan fi 'ulum al-Qur'an* (Vols. 1-2). Beirut: Dar al-Kitab al-ʿArabi. [In Arabic]
- Ṭabarsi, F. H. (1988). *Majmaʿ al-bayan fi tafsir al-Qur'an* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Maʿrifah. [In Arabic]
- Tabatabaʿi, S. M. H. (1991). *The Qur'an in Islam* (2nd ed.). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Tabatabaʿi, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an* (Vols. 1, 7, 12). Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]
- Tabatabaʿi, S. M. H. (n.d.). *Shi'a in Islam*. Qom: Hijrat Publications. [In Persian]
- Tayyeb Hosseini, S. M., et al. (2017). *Tafsir Studies*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
- Tusi, M. R., & Alami, ʿA. R. (2017). *The Relationship Between the Scientific Authority of the Qur'an and Its Universality, Eternity, and Comprehensiveness*. In *Proceedings of the Congress on the Qur'an and Human Sciences* (Vol. 1). Qom: al-Mustafa Publications. [In Persian]
- Yousefi-Moqaddam, M. S. (2022). *The necessity of a systematic approach to Quranic teachings with a civilizational perspective*. *Biannual Journal of Quranic Interpretive and Semantic Studies*, 5(8), pp. 2-5. [In Persian]
- Zamakhshari, M. ʿU. (1987). *Al-Kashshaf ʿan haqāʾiq al-tanzil wa ʿuyūn al-aqāwil fi wujuh al-taʾwil* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kitab al-ʿArabi. [In Arabic]
- Zarkashi, M. ʿA. (1994). *Al-Burhan fi 'ulum al-Qur'an* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Maʿrifah. [In Arabic]